

## اهمیت «اقتصاد سیاسی» در ایجاد توسعه پایدار

# مناسبات عجیب سلطه در دنیای امروز

## چگونه از دام توسعه نیافتگی فاصله بگیریم؟

### ● اقتصاد توسعه

#### دکتر فرشاد مؤمنی

استاد علوم اقتصادی دانشگاه علامه طباطبائی و رئیس مؤسسه دین و اقتصاد

«توسعه پایدار» نیازمند «معرفت علمی» است و ما در این زمینه دچار ضعف معرفتی شده‌ایم؛ لوازم معرفتی مواجهه عالمانه با مسأله توسعه در ایران فراهم نیست و مهم‌ترین دلیلش این است که ما در نظام آموزشی مان به شکل بایسته‌ای با «روش‌شناسی» آشنا نمی‌شویم در حالی که «روش‌شناسی» کلید معرفت علمی است. به همین دلیل پیش از آنکه با «علم» به معنای مدرن آن آشنا شویم، «معلوماتی» کسب می‌کنیم که با وجود ارزشمند بودن، اما گره‌گشای مسائل مان نیست به همین دلیل با وجود مراثت‌ها و کوشش‌های توسعه‌خواهانه، اما چون در زمینه «روش‌شناسی توسعه» کار جدی و در خور تأملی انجام ندادهایم هنوز با توسعه نیافتگی دست و پنجه نرم می‌کنیم. «فهم» به روش علمی، «تقد» به روش علمی، «خلق دانایی» به روش علمی و «حل مسأله» به روش علمی، گلوگاه توسعه ما شده است. در این گفتار «موانع توسعه پایدار» مورد بحث قرار گرفته و بر اهمیت «اقتصاد سیاسی ملی» در کنار «اقتصاد سیاسی بین‌المللی» به عنوان یکی از راه‌حل‌های توسعه نیافتگی تأکید شده است.

#### خروج از دورهای باطل توسعه نیافتگی

«توسعه» در تسخیر «علم» است، بنابراین این امید وجود دارد که اگر به روش علمی با مسائل مان روبه‌رو شویم، بتوانیم از بحران‌های توسعه نیافتگی فاصله بگیریم. در ادبیات توسعه، مفهومی به نام «هزینه - فرصت» داریم که بر اساس آن، انگلستان در قرن ۱۸ حدود ۲۰۰ سال زمان صرف کرد تا از دورهای باطل توسعه نیافتگی خارج شود و به توسعه برسد. آمریکا در قرن ۱۹، این مسیر را صد ساله طی کرد، ولی در قرن بیستم این زمان به ۴۰ سال کاهش یافت و بر اساس برآوردها، در قرن ۲۱، ربع قرن زمان لازم است تا کشوری خود را از دورهای باطل توسعه نیافتگی خارج کند، اما به شرط اینکه تحولات اعتلا بخش «معرفتی»، «نهادی» و «ساختاری» از زمینه‌سازی کند.

مسیر توسعه نیازمند تدارکات معرفتی سطح بالاست تا فهم مان را از توسعه عالمانه و متناسب با اقتضائات زمان کنیم. گاه این تصور وجود دارد که ما با «رویکردی دنباله‌رو» می‌توانیم به توسعه برسیم در حالی که اگر دنباله‌رو شویم و منفعلانه عمل کنیم، توسعه ناممکن می‌شود. رسالت فکری روشنگران توسعه‌خواه باید این باشد که بمانند و جامعه و دنیای خود را عمیق بشناسند و عالمانه و مسئولانه چند قدم جلوتر

به عنوان نمونه در صنعت خودرو، الگوی روابطی که ما با چین تعریف کرده‌ایم هیچ نسبتی با سیاستگذاری یک «کشور مستقل توسعه‌خواه» ندارد ولی آنقدر درگیر مسائل فوری و جدی‌تری شده‌ایم که این امر حتی موضوع گفت‌وگوی روشنفکری کارشناسان توسعه ما هم نمی‌شود. حال اگر «مناسبات سلطه در دنیای امروز» و «اقتصاد سیاسی بین‌المللی» را در کنار «اقتصاد سیاسی ملی» به درستی بشناسیم، بسیاری از مراددهای بین‌المللی را به گونه‌ای دیگر رقم می‌زنیم. از همین رو است که معتقدم ضعف معرفتی، بیش از هر چیزی می‌تواند عامل توسعه نیافتگی باشد. چرا که در حسن نیت کسانی که این مراددها را شکل می‌دهند تردیدی نیست، اما گام‌های اشتباه ما در مسیر توسعه، ناشی از ضعف معرفتی ماست.

#### ایجاد توسعه پایدار با نظم اجتماعی داناتی محور

هنوز در سطوح بالای دانشگاهی ما، هستند کسانی که با «استانداردهای فهم اسمیتی» مناسبات بین‌المللی را تفسیر می‌کنند و می‌گویند دنیای کنونی دنیای وابستگی متقابل بین کشورهاست در حالی که هر کس الفبای نابرابری و نسبتش را با توسعه بداند، درک خواهد کرد که هرچه شکاف توانمندی‌ها افزایش می‌یابد، مناسبات سلطه شدیدتر می‌شود؛ ۲۱ ضریب اهمیت «اقتصاد سیاسی بین‌المللی» چندین برابر گذشته شده است. به عنوان مثال چینی‌ها هدف‌گذاری کرده‌اند که تا سال ۲۰۵۰ به هژمون اصلی دنیا بدل شوند و آمریکا برای اینکه این تلاش چینی‌ها عقیم بماند با هم‌پیمانانش در اروپا، شرق آسیا و همسایگی چین، بالغ بر ۴۰ هزار میلیارد دلار منابع آزاد کردند تا مناسبات هژمونیک بدون تغییر باقی بماند. بنابراین در دنیای امروز «اقتصاد سیاسی حکمرانی فراملی» اهمیتی قابل توجه یافته است که ما هم برای اینکه در مسیر توسعه پایدار قرار بگیریم نباید از آن غافل شویم. فقدان این معرفت باعث می‌شود کل ماجرا را در حد سلطه یک کشور بر خودمان بپنداریم و برای رهایی از این سلطه به دامن قدرت‌هایی پناه ببریم که اتفاقاً عاملی برای توسعه نیافتگی می‌شوند و ظرفیت‌های توسعه‌ای ما را عقیم می‌کنند.

## «سیاست‌های نتولیبرال اقتصادی» بطور بحران‌های سیاسی- اجتماعی می‌آفریند؟

# تله‌های نابرابری

## «تبعیض»، اصلی‌ترین عامل فرسایش انسجام اجتماعی است

### ● مطالعات توسعه

#### دکتر حسین راغفر

استاد اقتصاد و عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا

دکتر مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور، در مناظرات انتخاباتی خود اجرای سه اصل را متعهد شد: «ریشه‌کنی فقر»، «عمومی کردن آموزش» و «همگانی کردن سلامت». اگر دولت چهاردهم بتواند تنها همین سه تعهد را تمام و کمال عملیاتی کند، بعد از ۳۵ سال در مسیر توسعه گامی بلند برمی‌داریم که ما را از تنگنای نابرابری‌های ناموجه رها خواهد کرد. «نابرابری‌های موجه» ریشه در طبیعت انسان دارند در حالی که «نابرابری‌های ناموجه» برآمده از عوامل بیرونی‌اند که منشأ تبعیض، تحقیر، نارضایتی، ناآرامی، گسختگی‌های اجتماعی و حتی جنگ می‌شوند. از این رو، در کشورهای توسعه‌یافته نگرانی‌های زیادی برای کنترل نابرابری‌های ناموجه وجود دارد تا خود را از پیامدهای مخرب آن دور کنند. قدرت تخریب نابرابری و تبعیض در جامعه به قدری است که امنیت اجتماعی- سیاسی و سلامت روان جامعه را تحت الشعاع قرار می‌دهد. در این گفتار «رابطه اقتصاد نتولیبرال با بحران‌های سیاسی- اجتماعی» مورد مذاقه قرار گرفته است با تأکید بر این اصل که اصلاح ساختار اقتصادی می‌تواند امنیت سیاسی- اجتماعی جامعه را ارتقا بخشد.

#### نابرابری: محصول «ساخت اقتصادی»

به ایجاد نابرابری در جوامع دامن زده است؛ بویژه برای جوانان «اضطراب‌های منزلی» ایجاد کرده است و نرخ خودکشی و اختلالات روحی و روانی را در آنان بالا برده است. تحقیقات نشان می‌دهد که رابطه قدرتمندی بین نابرابری و نرخ خودکشی وجود دارد. بی‌عدالتی و نابرابری، افراد را وارد ورطه مقایسه‌های اجتماعی می‌کند؛ عزت نفس آنان را تنزل می‌دهد که همه اینها می‌تواند به مشکلات مرتبط با سلامت روان منجر شود. در جوامع نابرابرتر افراد بیش‌تر احساس بی‌پناهی، معلق بودن و بی‌آیندی می‌کنند و این شرایط می‌تواند به افزایش رفتارهای خودتخریبی چون خودکشی منجر شود.

نابرابری و بی‌عدالتی‌های نظام مند با آسیب‌های روحی و اجتماعی عمیقاً مرتبط هستند. نابرابری چه از جنس اقتصادی باشد و چه از جنس نژادی و جنسیتی می‌تواند علل بروز آسیب‌هایی چون اضطراب، بی‌پناهی و قربانی بودن و جراحات جمعی شود که اثرات منفی بلند مدت آن بر جامعه باقی خواهد ماند.

#### نابرابری: دلیل «اضطراب‌های منزلی»

«سیاست‌های مخرب مبتنی بر مصرف‌گرایی»



گاه این تصور وجود دارد که ما با «رویکردی دنباله‌رو» می‌توانیم به توسعه برسیم در حالی که اگر دنباله‌رو شویم و منفعلانه عمل کنیم، توسعه ناممکن می‌شود. رسالت فکری روشنگران توسعه‌خواه باید این باشد که بمانند و جامعه و دنیای خود را عمیق بشناسند و عالمانه و مسئولانه چند قدم جلوتر از جامعه حرکت کنند تا لوازم معرفتی توسعه پایدار را فراهم آورند

هنوز در سطوح بالای دانشگاهی ما، هستند کسانی که با «استانداردهای فهم اسمیتی» مناسبات بین‌المللی را تفسیر می‌کنند و می‌گویند دنیای کنونی دنیای وابستگی متقابل بین کشورهاست در حالی که هر کس الفبای نابرابری و نسبتش را با توسعه بداند، درک خواهد کرد که هرچه شکاف توانمندی‌ها افزایش می‌یابد، مناسبات سلطه شدیدتر می‌شود؛ ۲۱ ضریب اهمیت «اقتصاد سیاسی بین‌المللی» چندین برابر گذشته شده است. به عنوان مثال چینی‌ها هدف‌گذاری کرده‌اند که تا سال ۲۰۵۰ به هژمون اصلی دنیا بدل شوند و آمریکا برای اینکه این تلاش چینی‌ها عقیم بماند با هم‌پیمانانش در اروپا، شرق آسیا و همسایگی چین، بالغ بر ۴۰ هزار میلیارد دلار منابع آزاد کردند تا مناسبات هژمونیک بدون تغییر باقی بماند. بنابراین در دنیای امروز «اقتصاد سیاسی حکمرانی فراملی» اهمیتی قابل توجه یافته است که ما هم برای اینکه در مسیر توسعه پایدار قرار بگیریم نباید از آن غافل شویم. فقدان این معرفت باعث می‌شود کل ماجرا را در حد سلطه یک کشور بر خودمان بپنداریم و برای رهایی از این سلطه به دامن قدرت‌هایی پناه ببریم که اتفاقاً عاملی برای توسعه نیافتگی می‌شوند و ظرفیت‌های توسعه‌ای ما را عقیم می‌کنند.



#### بشرش

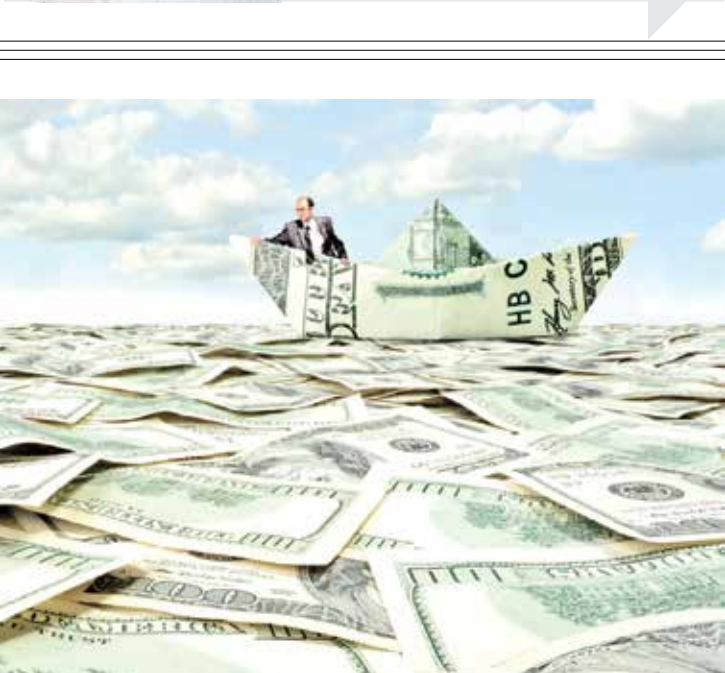


↑ PERSITOONS

لوازم توسعه‌خواهی تهی است. به این منظور، کافی است فرآز و نشیب‌های شاخص مبادله را که ناظر بر اندازه‌گیری «توان رقابت و توان مقاومت اقتصاد ملی» است ردگیری کنیم تا

#### گام‌های اشتباه ما در خلاف مسیر توسعه، ناشی از ضعف معرفتی ماست

در صنعت خودرو، الگوی روابطی که ما با چین تعریف کرده‌ایم هیچ نسبتی با سیاستگذاری یک «کشور مستقل توسعه‌خواه» ندارد. ولی آنقدر درگیر مسائل فوری و جدی‌تری شده‌ایم که این امر حتی موضوع گفت‌وگوی روشنفکری کارشناسان توسعه ما هم قرار نمی‌گیرد. حال اگر «مناسبات سلطه در دنیای امروز» و «اقتصاد سیاسی بین‌المللی» را در کنار «اقتصاد سیاسی ملی» به درستی بشناسیم بسیاری از مراددهای بین‌المللی را به گونه‌ای دیگر رقم خواهیم زد. از همین رو است که معتقدم «ضعف معرفتی» بیش از هر چیزی می‌تواند عامل توسعه نیافتگی باشد. چرا که در حسن نیت کسانی که این مراددها را شکل می‌دهند تردیدی نیست، اما گام‌های اشتباه ما در مسیر توسعه، ناشی از ضعف معرفتی ماست.



#### نابرابری: ما حاصل اقتصاد نتولیبرال

نابرابری‌های ناموجه یکی از پیامدهای «سیاست‌های نتولیبرال اقتصادی» است. محصول دیگر سیاست‌های نتولیبرال پدیده‌ای با نام مخفف «نیت» (NEET) است که جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله‌ای را شامل می‌شود که نه تحصیل می‌کنند و نه شاغلند و -نه به دنبال شغل- و نه مهارتی می‌آموزند. انتظارش است و این حس معلق بودن پدیده خطرناک ناشی از شدت می‌بخشد که می‌تواند در جامعه به اشکال مختلفی بروز یابد و تهدیدهای امنیتی و اجتماعی را برای هر جامعه‌ای رقم زند و همه اینها ریشه در سیاست‌های اقتصادی جنسیتی در دسترس به فرصت‌های آموزشی به همین دلیل ما در سال‌های اخیر با بحران‌های اجتماعی بیشتری روبه‌رو بوده‌ایم. براساس داده‌های مرکز آمار ایران، در انتهای سال ۱۴۰۲ از جمعیت ۱۱ میلیون نفری در سن ۱۵ تا ۲۴ ساله کشور، حدود ۲ میلیون و ۸۲۳ هزار نفر، در گروه NEET هافور می‌گیرند که ۹۲۸ هزار نفر آنان، مرد و یک میلیون و ۸۹۵ هزار نفر آنان زن هستند. در این آمار، دو برابر بودن تعداد زنان، جلوه‌ای از نابرابری جنسیتی در دسترس به فرصت‌های آموزشی و شغلی است.

#### نابرابری: منشأ تضعیف طبقه متوسط

سیاست‌های اقتصادی یک زنجیره بلند را به دنبال خود شکل می‌دهند. افزایش قیمت ارز «مالیات‌تومی» را رقم می‌زند؛ مالیات تومی موجب افزایش بهای خدمات و کالاهای دولتی می‌شود؛ این خود، افزایش قیمت کالاهای عمومی را در پی دارد. همه اینها، نابرابری را شدت می‌بخشد که این نابرابری‌ها باعث تضعیف طبقه متوسط و رکود اقتصادی می‌شود؛ رکود اقتصادی، بیکاری را افزایش



#### بشرش

می‌دهد؛ افزایش بیکاری، رشد اقتصادی پایین را نتیجه می‌دهد و سطح رفاه جامعه را پایین می‌کشد. نابرابری‌ها از اصلی‌ترین عوامل فرسایش انسجام اجتماعی هستند و همه اینها ریشه در سیاست اقتصادی نتولیبرال دارند. ما در دهه اول انقلاب با اینکه جنگ داشتیم و با تحریم‌های گسترده مواجه بودیم اما با

#### رابطه معنادار سیاست و اقتصاد

اقتصاد ایران بعد از جنگ تحمیلی بر مفروضات غلطی استوار شد و نتیجه آن یک اقتصاد رنج‌بور بود. این ساخت اقتصادی، باعث شد منابع و فرصت‌ها بطور برابر در جامعه توزیع نشود و هزینه‌ها بر سر قشر بزرگی از جامعه آوار شود. باید آگاه باشیم که تبعض و نابرابری، انسجام اجتماعی را تضعیف می‌کند و می‌تواند زمینه‌ساز بحران‌های سیاسی- اجتماعی شود و بین مردم و حاکمیت فاصله ایجاد کند؛ چنانکه در بحران‌های اجتماعی سال‌های اخیر، انتخابات مجلس یازدهم و انتخابات ریاست‌جمهوری چهاردهم، ابعادی از آن را شاهد بودیم. اما خوشبختانه دکتر پزشکیان، نشان داد به این امر واقف است که اصلاح ساختار اقتصادی می‌تواند امنیت سیاسی- اجتماعی را ارتقا بخشد. از این رو در مناظره‌های انتخاباتی‌اش برای ایجاد انسجام اجتماعی و جلوگیری از تبعیض و نابرابری، سه اصل را متعهد شد: «ریشه‌کنی فقر»، «عمومی کردن آموزش» و «همگانی کردن سلامت». با عملیاتی کردن این سه سیاست، می‌توان از بسیاری از سیاست‌های نتولیبرال اقتصادی فاصله معناداری پیدا کرد.



بگیریم: «توهم نامحدودانگاری منابع مادی» و «توهم معادل قرار دادن رشد مستمر اقتصادی به مثابه توسعه»؛ کشورهای صنعتی پیشرفته از دل به چالش کشیدن این دو توهم، «ایده توسعه پایدار» را بیرون کشیدند.

#### ارتباط متقابل «توسعه اجتماعی» و «توسعه اقتصادی»

در زمینه توسعه پایدار «گزارش کمیسیون برولند» می‌تواند نقطه عطف معرفتی باشد که در آن استراتژی انتقال بحران را افشا می‌کند و می‌گوید همه ما سوار بر یک کشتی هستیم بنابراین وقتی استراتژی نهاجمی علیه کشورهای در حال توسعه طراحی می‌شود، می‌تواند مخاطرات جهانی ایجاد کند و به یک استراتژی ضد توسعه برای جهان بدل شود. این فقری که کشورهای صنعتی بیش از حاکمان این کشورها مقصر نباشند ولی همتراز آنان در فقیر شدن کشورهای خود متهم هستند و باید مسئولیتش را بپذیرند. «الودگی فقر» مفهومی است که در ادبیات توسعه پایدار ایجاد شده و در ایران آموزه منحنی و فاجعه‌ساز «شوگ‌درمانی» مهم‌ترین عنصر گسترش و تعمیق فقر شد. بی‌سابقه‌ترین فقر در جامعه ما متعلق به دورانی است که پرتعدادترین و شدیدترین شوک‌های قیمتی وارد شد.

ما در فهم توسعه پایدار و توسعه عادلانه، نقص‌های معرفتی داریم؛ «شوگ‌درمانی» که ضد توسعه‌ترین و ضد عدالت‌ترین گزینه سیاست اختراع شده تاریخ بشر است، در کشور ما تحت عنوان «اصلاح قیمتی» به عنوان ابزاری برای رسیدن به عدالت مورد استفاده قرار می‌گیرد. دو کتاب «فساد در نظام سرمایه‌سالار» اثر گای استندینگ و «چطور چین از شوگ‌درمانی گریخت» اثر ایزابل‌لام. ویر، طول و عرض آثار فاجعه‌آمیز «شوگ‌درمانی» بر وجوه انسانی و اجتماعی و محیط‌زیستی را نمایان می‌کنند.

مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران از سنوختی دکتر مؤمنی با عنوان «توسعه پایدار ایران: محدودیت‌ها و امکانات» است که در مؤسسه پژوهشی، آموزشی و مطالعاتی آکادمی شمشه با همکاری مدرسه ایرانشهر ارائه شده است.



شد؛ تعهداتی چون آموزش و خدمات سلامت رایگان که مطرح قانون اساسی است. گسترش نابرابری‌ها منشأ اصلی فقر در جامعه است که ناشی از همین سیاست‌های بخش عمومی است. سیاست‌های بخش عمومی، اصلی‌ترین علت توزیع نابرابری است؛ اینکه چه فرصت‌هایی را برای چه گروه‌های محدودی فراهم می‌کند و چه فرصت‌هایی را از جمعیت بزرگی از جامعه دریغ می‌کند اینها همه محصول سیاست‌های بخش عمومی است که در حوزه اقتصاد علی‌رغم آمد و شد دولت‌های مختلف کماکان ثابت باقی مانده است. معنای دیگر آن، این است که دولت‌ها نقشی در تعیین سیاست‌های اقتصادی ندارند و تنها مجریان این سیاست‌ها هستند. دولت چهاردهم اگر می‌خواهد این چرخه نابرابری را متوقف کند باید این موازنه را برهم زند. همه محصول سیاست‌های بخش عمومی است که در حوزه اقتصاد علی‌رغم آمد و شد دولت‌های مختلف کماکان ثابت باقی مانده است. معنای دیگر آن، این است که دولت‌ها نقشی در تعیین سیاست‌های اقتصادی ندارند و تنها مجریان این سیاست‌ها هستند. دولت چهاردهم اگر می‌خواهد این چرخه نابرابری را متوقف کند باید این موازنه را برهم زند. همه محصول سیاست‌های بخش عمومی است که در حوزه اقتصاد علی‌رغم آمد و شد دولت‌های مختلف کماکان ثابت باقی مانده است. معنای دیگر آن، این است که دولت‌ها نقشی در تعیین سیاست‌های اقتصادی ندارند و تنها مجریان این سیاست‌ها هستند. دولت چهاردهم اگر می‌خواهد این چرخه نابرابری را متوقف کند باید این موازنه را برهم زند.

مکتوب حاضر متن ویرایش و تلخیص شده «ایران» از سخنرانی دکتر راغفر است که با عنوان «دولت چهاردهم و چشم‌انداز روندهای فزاینده نابرابری‌های ناموجه» در محل مؤسسه دین و اقتصاد ارائه شده است.